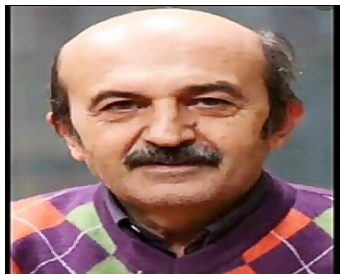


درگذشت شهرام آزادیان



شهرام آزادیان، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درگذشت. میلاد عظیمی، پژوهشگر و منتقد ادبی در پی درگذشت این استاد دانشگاه، پنجشنبه، ۲۲ تیرماه در یادداشتی نوشته است: «شهرام آزادیان را از وقتی که شناختم - بیست و پنج‌شش سال پیش - تا امروز که خبر درگذشتش را شنیدم، در جست‌وجوی کتاب دیدم. کتاب‌شناس کاربلد مبرز بود. مقام اصلی او گوشه کتابخانه و کتابفروشی و کهنه‌فروشی بود. فی‌الواقع کهنه‌فروشی‌ها را شخم می‌زد.

علی محمد اشکبوس دوبلور درگذشت



علی محمد اشکبوس، دوبلور پیشکسوت کشورمان بر اثر بیماری درگذشت.

به نقل از پایگاه اطلاع‌رسانی سیما، علی محمد اشکبوس، دوبلور پیشکسوت کشورمان فعالیت خود را در حرفه گویندگی از سال ۱۳۴۰ و در سن ۱۸ سالگی آغاز کرد. او علاوه بر کار دوبله و گویندگی در نگارش دیالوگ‌ها نیز دستیار مدیران دوبلاژ بود.

از صدایپیشگی‌های اشکبوس می‌توان به سریال «مدار صفر درجه» و انیمیشن‌های «هاج (زنبور عسل» و «فوتبالیست‌ها» اشاره کرد.

«بختک رها» سیروس همتی ساخته می‌شود



فیلمبرداری فیلم کوتاه «بختک رها» به نویسندگی سیروس همتی و فاطمه محمدنبی آغاز شد. فیلم کوتاه «بختک رها» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی میثم عباسی و نویسندگی سیروس همتی و فاطمه محمد نبی در شهر تهران ساخته می‌شود.

جشنواره جیفونی ایتالیا با ۳ فیلم ایرانی



جشنواره بین‌المللی فیلم جیفونی در کشور ایتالیا میزبان نمایش یه فیلم کوتاه از فیلمسازان ایرانی خواهد بود. پنجاه و سومین جشنواره فیلم جیفونی از ۲۰ تا ۲۹ جولای (۲۹ تیر تا ۷ مرداد) در ایتالیا برگزار خواهد شد و سه فیلم کوتاه «گلادیاتورها» ساخته مریم رحیمی، «تک بوق» ساخته محمدکمال علوی و «سبزه سالگی» ساخته صمد علیزاده در این جشنواره مهم سینمایی به نمایش درمی‌آیند.

برای سالروز درگذشت حمید سمندریان؛

هنرمندی که ایران را با بهشت عوض نکرد!



چنین گفته است: «اساساً چند نوع انسان داریم؛ عده‌ای جهان وطن هستند و برای آنان فرقی نمی‌کند که در کدام جغرافیا باشند زیرا اگر فعالیت مطابق سلیقه خود را در هر جای دنیا پیدا کنند، همان جا برایشان وطن می‌شود اما در مقابل عده‌ای هم هستند که خاک یعنی سرزمین مادری آنها را می‌کشد و این روحیه‌ای است که به اعتقاد مربوط می‌شود؛ سنت‌ها، عرف‌های اجتماعی، پیوندهای فAMILI، دوستی‌ها و انس و الفت با آب و خاکی که انسان در آن به دنیا آمده است و... من در زمان تحصیل و بعد از پایان آن مطمئن بودم که هر شرایطی در اروپا برایم به وجود بیاید، باز هم کشورم را ترجیح خواهم داد. در تمام سفرهای بعدی هم که از ایران بیرون می‌رفتم، از همان روزی که سفر را شروع می‌کردم، دلم برای بازگشت به وطن تنگ می‌شد. شاید توضیح این نکته کمی پیچیده باشد. باید این احساس را داشته باشید تا بفهمید، این از خصوصیات من است. پس طبیعی بود که بودن در ایران را به هر شرایطی ترجیح بدهم.» وقتی بعد از مدتی ماجرا را برای ادوارد مارکس، استادش تعریف کرد. مارکس که سمندریان از او به عنوان غولی در تئاتر اروپا یاد کرده، خطاب به دانشجویش گفت: «حمید تو خودت باید تصمیم بگیری. من نمی‌دانم شرایط تئاتر در ایران چگونه است. فقط خدا کند که من پشیمان نشوم. تا آنجا که من می‌دانم در شرق وضعیت تئاتر به

تئاتری از هم نپاشد و شوق به هنر در آنان نخشکد. آنان در محفل فرهنگی کشور از جمله وزیر وقت فرهنگ و هنر و رییس دانشگاه به گرمی او را پذیرفتند ولی در وضعیتی که هنوز مجموعه تئاتر شهر و تالار مولوی راه‌اندازی نشده بود، تئاتر ایران سالن‌های پرشماری نداشت و گروه او برای اجرای نمایش باید دست به دامن انجمن‌های فرهنگی یا سالن سفارتخانه‌های گوناگون می‌شد. اواخر دهه ۵۰ هم که سختی‌های دیگری خودنمایی کرد؛ تعطیلی تئاتر و دانشگاه و او به ناچار در واکنش به این اتفاق‌ها، رستورانی دایر کرد که گارسن‌هایش هنرمندانی چون احمد آقالو و حمید لیخنده بودندو آشپزش هم هما روستا. هرچند همین رستوران هم اندک زمانی فعال بود و او به ناچار در آن را بست ولی شاگردان و دوستانش را در خانه خود گرد آورد تا این جمع

و بازگشت در ایران، مسئولان فرهنگی کشور از جمله وزیر وقت فرهنگ و هنر و رییس دانشگاه به گرمی او را پذیرفتند ولی در وضعیتی که هنوز مجموعه تئاتر شهر و تالار مولوی راه‌اندازی نشده بود، تئاتر ایران سالن‌های پرشماری نداشت و گروه او برای اجرای نمایش باید دست به دامن انجمن‌های فرهنگی یا سالن سفارتخانه‌های گوناگون می‌شد. اواخر دهه ۵۰ هم که سختی‌های دیگری خودنمایی کرد؛ تعطیلی تئاتر و دانشگاه و او به ناچار در واکنش به این اتفاق‌ها، رستورانی دایر کرد که گارسن‌هایش هنرمندانی چون احمد آقالو و حمید لیخنده بودندو آشپزش هم هما روستا. هرچند همین رستوران هم اندک زمانی فعال بود و او به ناچار در آن را بست ولی شاگردان و دوستانش را در خانه خود گرد آورد تا این جمع

استقبال کرمانی‌ها از نوای موسیقی خراسان و سیستان

تالار فرهنگ و هنر استان کرمان، باحضور و استقبال هنردوستان و علاقمندان برگزار شد. گروه موسیقی «لیکو» از شهرستان رودبار جنوب استان کرمان بعنوان نخستین اجرای دیشب روی صحنه آمدند. علیرضا یونس‌زاده (سرپرست گروه لیکو و نوازنده نی‌انبان) به همراه مجتبی سالمی (خواننده)، قدرت برموز (نوازنده ضرب و تمپو) و وریا صابری (نوازنده جره یا دمام) به اجرای قطعات «شاهونی»، «مشب از اون شب‌هاست»، «ساعت مریم» و «ماشینت را بدار» پرداختند.

جشنواره موسیقی نواحی جایی دومین شب از شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در منطقه ۵ با اجراهای صحنه‌ای گروه‌هایی از استان‌های کرمان، خراسان رضوی و سیستان و بلوچستان به میزبانی استان کرمان در تالار مرکزی فرهنگ و هنر این شهر برگزار شد. به نقل از ستاد خبری شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران، دومین شب از شانزدهمین جشنواره موسیقی نواحی ایران در منطقه ۵ با اجراهای صحنه‌ای ۵ گروه از استان‌های خراسان رضوی، سیستان و بلوچستان و کرمان به‌عنوان میزبان شامگاه گذشته (پنجشنبه ۲۲ تیرماه) در

برای آموختن رفتار و منش بزرگان موسیقی است علیرضا یونس‌زاده (سرپرست گروه موسیقی لیکو) درباره انتخاب قطعات گفت: ما به جهت همجواری با استان سیستان و بلوچستان و استان‌های جنوبی سعی کردیم تا قطعاتی را بنوازیم که با دیگر استان‌ها متفاوت باشد؛ چراکه اشتراکات موسیقایی ما با یکدیگر زیاد است. وی ادامه داد: برگزاری جشنواره موسیقی نواحی علاوه بر تقویت اشتراکات فرهنگی و هنری باعث می‌شود تا هنرمندان از پیشکسوتان عرصه موسیقی رفتار و منش بیاموزند و دریچه‌های

به دلیل اینکه احساساتی‌تر هستیم نگاه هنری‌تری به جهان داریم. فیلمسازان و فیلمنامه‌نویسان بزرگی از ایران و جهان زن هستند که با دید زنانه و دراماتیک به جریان‌ها نگاه می‌کنند؛ به‌طوری که شاید بسیاری از مردان نتوانند آثاری مانند آن‌ها ارائه دهند. او افزود: جشنواره حوا از لحاظ تبادل ایده و دیدگاه برای من جالب و

اظهار نظر یک تهیه‌کننده لهستانی از جایگاه سینماگران زن ایرانی

«فرشتگان سینجار» به نخستین جشنواره بین‌المللی فیلم حوا در تهران آمده، گفت: فضای سینمای ایران را می‌شناسم، زنان در سینمای ایران از لحاظ در کارگردانی، تهیه‌کنندگی و بازیگری جایگاه خوبی دارند و فضای سینمای ایران از این لحاظ مانند فضای سینمای جهان است. وی بیان کرد: ما زنان

جذاب است و خوشحالم که می‌توانم با فیلمسازان کشورهای مختلف در این رویداد آشنا شوم. این تهیه‌کننده درباره «فرشتگان سینجار» که در بخش بین‌الملل جشنواره حضور دارد نیز گفت: این فیلم یکی از مهم‌ترین فیلم‌هایی است که قصه یک نسل‌کشی در سال ۲۰۱۴ را روایت می‌کند. داستان درباره یکی از قبایل ایزدی است که در

عرضه و تقاضا نرسیده است که جمعیت شرقی طلب کند و اگر تئاتر در جامعه نباشد، استیضاح کند و حکومت را زیر سؤال ببرد اما اگر دوست داری، برو و امیدوارم موفق باشی. چون اصلاً نمی‌دانم آنجا چه خبر است، نمی‌توانم چیزی بگویم. «

مدتی گذشت. شب‌های بی‌خوابی را سپری کرد و بالاخره تصمیم گرفت که به ایران برگردد. محرک آخرش این بود که بالاخره آن چیزی که زیر پای او خواهد بود، اسمش وطن است. او خود دوران حضور و تحصیل را در آلمان این چنین توصیف کرده: «با وجود آنکه مدرسه ما (در آلمان) بین‌المللی بود و بیشتر از ۲۰ ملیت در کنسرواتوار ما وجود داشت، همه با هم اخت بودیم برای اینکه هنر بین انسان‌ها فصل مشترک می‌سازد و قلب‌ها را به هم نزدیک می‌کند و این یکی از خاصیت‌های بزرگ هنر است.

اگرچه شاگردی ادوارد مارکس و در کنسرواتوار هامبورگ بودن، بهترین دوره زندگی من است، اما هرگز فراموش نکردم که ایرانی هستم. اینها را برای شعار نمی‌گویم. من همیشه این کمبود را احساس می‌کردم. من هیچوقت با مهاجرت موافق نبودم و نیستم. حتی این امکان به طور حرفه‌ای و قطعی بارها برایم به وجود آمد ولی نپذیرفتم. چند سال اول انقلاب که همه به نوعی مهاجرت می‌کردند، در برلین شرقی امکان کار تئاتر به صورت دولتی و حرفه‌ای برایم پیش آمد که قبول نکردم.



جدیدی به روی آنها باز می‌شود. در ادامه حبیب قادر آتشگر، سرپرست گروه «هامون» از استان سیستان و بلوچستان و دارای درجه یک هنری همراه با علیم قادراشگر (نوازنده سرنا و دونلی)، امیر گرگیچ (نوازنده دهل و ساز) از قطعات اجرا شده توسط گروه موسیقی هامون بود.



اقلیت هستند و در نواحی سنی‌نشین عراق زندگی می‌کنند. یکی از دختران این قبیله توسط داعش برای بردگی روبرو می‌شود و حنیفه، خواهر بزرگ‌تر ماموریت دارد خواهر کوچک‌تر را نجات دهد و این موضوع را به پدرش قول می‌دهد.